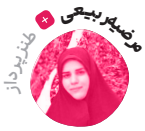


# فقط در رو



« ای صاحب فال؛

این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست. این سری مدل بمیریش هم کاملا واقعی است و گمان اینکه دوروز احساس خستگی کنیدی و بروید لختی بیاسایید و دم فروبندید تا آبها از آسیاب بیفتد و مثل کش تنبان برگردید سر تاج و تختتان، کشک است. بدان و آگاه باش که خلوت دل جای صحبت اعداد نیست. چی؟ متوجه نشدی؟ خب انتظاری هم ندارم تا این حد به اوضاع امور واقف باشی! بالاخره بعد از یک عمر بخور و بخواب و چپاول، فرصتی برای کسب ادب و فرهنگ نداشتی. مصرع اول را که نفهمیدی، لااقل مصرع دوم را فالش بخوان. سرودش را چند بار گوش کرده و بعد از تمرین، درست بخوان.

ای صاحب فال؛ سقوط جزئی از زندگی است. البته نه زندگی هر کسی! این پایان داستان یک پادشاه دیکتاتور است. با آن کنار بیا و منتظر خبر خاصی هم نباش. مزدهی وصال یارو روزگار خوش و این قرنی بازیها، راست فال تو نیست. خودت و تبارت با فلاکت بسازید. این شتری است که جلوی در کاخ هر پادشاهی آدماس می جود و پشتک وارو می زند.

خلوت دل نیست جای صحبت اعداد  
دیو چوبیرون رود فرشته در آید

« ای صاحب فال؛

اوضاع داغان تر از این حرفهاست! آخر الان چه وقت فال گرفتن است؟ پیش خودت گفتی: «فالی بگیریم تا حافظ مار به آینده امیدوار کند و مزده دهد که این مردم قدرشناس سر جای شان بنشینند و ما هم به پادشاهی مان ادامه دهیم. دو روز دیگر هم پادشاهی رضامون ببینیم.»

ای صاحب فال، از این خیالات بیرون بیا. فالت اصلا خوب نیست و رسما بز آوردی. اگر برایت سوال شده که الان دیوی یا فرشته، باید بگویم که این چه سوال مسخره ای است که می پرسی؟ یک نگاه به خودت ببین! تا توانستی نفت و پول مملکت را قاپیدی و چاپیدی و دزدیدی. حالا فکر کردی کانهو فرشتهی نجات بخش از تو تقدیر خواهند کرد؟ نه خیر! از این خبرها نیست. تو الان در جای دیو تاریخ ایستادی و شانسی آوردی فلنگ را بستی و از دل انقلاب ملت فرار کردی، چون هیچ رقم جایی در این معرکه نداشتی.



## واگبه گیک نیست

می خوام برات به کم مزه بریزم  
خیلی می خوامت مامان عزیزم

تو واسه من پارودلت گذاشتی  
چه آرزوهای بلندی داشتی

اینستا تویه دقیقه خاموش بکن  
بشین به درد دل من گوش بکن

تو یخچالت بجز رز و کرم نیست  
غذای می پزی؟! نپز! مهم نیست

خدا به داد گشنه هارسیده  
واسه چی تخم مرغو آفریده؟!

مامان چرا همه ش ازم شکاری  
تو که پسرهای باحالی داری

من و سگت! که اونو پارک می بری  
غذای آماده واسه ش می خری

همون سگه که روی پات می ذاری  
منو باوق و قش می ده فراری

همون سگه که هی بهش می رسی  
پشماشومی کنی همه ش بررسی

نگی چرا پارودمش گذاشتم  
تحمیل دیدن شونداشتم

قاطی نکن، حرفتومن می دونم  
درساموازشنبه دیگه می خونم

سلاح سرددمپاییتووردار  
ولی نزن، همونجوری نگهدار

درسته خیلی اهل ریخت و پاشم  
مرتباعوض می شه کراشم

یه خواهشی ازت دارم که این بار  
بین من و توله سگت فرق بذار

سگ که برات عصای دس نمی شه  
حیوونکی که هم نفس نمی شه

نذار برم توگوشی ویلون بشم  
اسیر دست هرچی شیطون بشم

گوشی برام پشت و پنا نمی شه  
هیچکی برام مامان بابانمی شه

فجازی یک چیز و نشون نداده  
فضای واقعی خانواده

